

تحلیل آثار افزایش مخارج دولت بر فقر در ایران

حمید محمدی* و مجید رحیمی**

در این مطالعه یک الگوی تعادل عمومی ایستا مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ تنظیم و به بررسی اثر سناریوهای افزایش مخارج دولت به میزان ۲۰ و ۵۰ درصد تحت سیاست ارزی شناور بر شاخصهای فقر پرداخته شده است. همچنین اثر افزایش مخارج دولت بر شاخصهای فقر از طریق تحلیل اثر آن بر مصرف خانوارها و قیمتها بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که براساس تغییرات مصرف، افزایش مخارج دولت در میان خانوارهای شهری باعث افزایش فقر می‌شود در حالی که براساس تغییرات قیمت، افزایش مخارج دولت باعث کاهش شاخصهای فقر خواهد شد. در میان مناطق روستایی نیز براساس هر دو رویکرد تغییرات مصرف و قیمت مشخص شد که افزایش مخارج باعث کاهش شاخصهای فقر می‌شود. اما به‌طور کلی تغییرات در شاخصهای فقر با توجه به میزان افزایش مخارج دولت چندان بالا نیست.

واژه‌های کلیدی: مخارج دولت، شاخصهای فقر، مصرف، قیمت، تعادل عمومی قابل محاسبه.

۱. مقدمه

افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشور است و تأمین شرایط مطلوب برای زندگی تمامی اقشار جامعه وظیفه اصلی کارگزاران و مسئولان اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود. در تعریف کمی از فقر اختلاف نظر وجود دارد و در اقتصاد رفاه، مباحث زیادی در این زمینه مطرح می‌شود. با فرض اینکه می‌توان به یک شاخص کمی مناسب از میان شاخصهای متعدد ارائه شده برای بیان فقر دست یافت فقط به ارائه تعاریفی محدود از فقر و افراد فقیر اکتفا می‌کنیم.

* دکتری اقتصاد کشاورزی- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی جهرم

** کارشناسی ارشد علوم اجتماعی- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی جهرم

رئیس دانا (۱۳۷۹) فقر را نارسایی تأمین نیازهای اساسی می‌داند. البته در مطالعات متعددی نیز کوشیده شده تا تعریف جامعی از نیازهای اساسی ارائه شود. به هر حال نقطه آغاز در بحث فقر، توانایی تأمین نیازها است. امروزه در سطح جهانی نیز فقر مسئله‌ای جدی است به گونه‌ای که حدود سه میلیارد نفر با درآمد روزانه کمتر از دو دلار زندگی می‌کنند. (جمالی مقدم، ۱۳۸۳)

براساس مطالعه فرج‌زاده (۱۳۸۲) بیش از ۵۲ درصد از خانوارهای روستایی و بیش از ۶۲ درصد از خانوارهای شهری ایران در زیرخط فقر قرار دارند که این شرایط لزوم تدوین سیاستها و برنامه‌های کاهش فقر را تبیین می‌کند.

در میان سیاستهای مختلف کاهش فقر، برخی از کارشناسان، انجام اقدامات ساختاری مبتنی بر سازوکارهای اقتصادی-اجتماعی را راه‌حل کاهش فقر می‌دانند. این گروه بر این باورند که فقر پدیده‌ای برخاسته از عوامل اقتصادی-اجتماعی است و از این رو لازم است راه‌حل آن را در سازوکارهای پدیدآورنده آن جست. از این رو پرداخت مستقیم یا توزیع یارانه‌ای کالاها فقط ممکن است در کوتاه‌مدت راهگشا باشد. در بلندمدت لازم است دولت با حمایت از گروههای فقیر در قالب ایجاد زمینه‌های کسب درآمد یا به عبارت دیگر ایجاد فرصتهای اقتصادی به مبارزه با فقر پردازد اما دخالت دولت ممکن است به‌رغم صرف هزینه، بهبود مناسبی را در شرایط گروههای فقر در پی نداشته باشد. در همین راستا مطالعه حاضر که با استفاده از الگوی تعادل عمومی صورت گرفته است به دنبال آن است تا میزان اثربخشی حضور بیشتر دولت از طریق افزایش مخارج را بر شرایط گروههای فقیر مورد تحلیل و واکاوی بیشتر قرار دهد.

با توجه به هدف مطالعه در این بخش به مرور برخی از مطالعات صورت گرفته با محوریت اثر مخارج دولت بر فقر می‌پردازیم.

در اغلب مطالعات انجام شده یکی از اجزای مخارج دولت به صورت موردی انتخاب و اثر آن بر فقر مطالعه شده است. به عنوان مثال کن^۱ (۲۰۰۰) مخارج صرف شده برای احداث جاده بر فقر در اندونزی را مورد بررسی قرار داد. بر اساس نتایج این مطالعه که با تفکیک ایالت‌هایی با جاده‌های مناسب و نامناسب انجام شد یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری در امور جاده‌ای موجب ۰/۳ درصد کاهش فقر در یک دوره پنج ساله شده است. مطالعه بالیساکن و پرنیا^۲ (۲۰۰۲) نیز در فیلیپین نشان داد یک درصد افزایش در دسترسی به جاده توأم با امکانات آموزشی، درآمد افراد فقیر را ۰/۳۲ درصد کاهش می‌دهد.

-
1. Kwon
 2. Balisacan and Pernia

تحلیل آثار افزایش مخارج دولت بر فقر در ایران ۶۷

مطالعه ون دِ وال^۱ (۱۹۹۸) در ویتنام نشان داد گسترش شبکه آبیاری در میان خانوارهای فقیر که دارای زمین‌های کوچک هستند درآمد خانوارهای فقیر را بیش از خانوارهای ثروتمند افزایش می‌دهد. یافته‌های فن و ژنک^۲ (۲۰۰۲) نیز نشان داد که یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آبیاری موجب کاهش ۱/۱۳ درصدی شاخص فقر می‌شود.

مطالعه فن و همکاران (۲۰۰۲) نیز در چین نشان داد به ازای هر ۱۰ هزار یوآن سرمایه‌گذاری در برق‌رسانی ۲/۳ نفر از دام فقر رهایی پیدا می‌کنند.

مطالعه فن (۲۰۰۳) نشان داد از میان اجزای مختلف مخارج دولت در بخش روستایی، سرمایه‌گذاری در تحقیق و ترویج، آبیاری، آموزش روستایی و زیرساختها بر کاهش فقر اثر بیشتری داشته است.

لایمن و شابر^۳ (۲۰۰۴)، به کمک مدل استاندارد نئوکیزی به بررسی اثر مخارج دولت بر مصرف پرداختند. نتایج مطالعه آنها که تنها برگرفته از روابط تابعی بود نشان داد که افزایش مخارج دولت می‌تواند موجب افزایش مصرف خصوصی شود.

در ایران نیز یافته‌های مطالعه وجدانی و رازینی (۱۳۷۹) نشان داد یک درصد افزایش در هزینه سرانه تحقیقات کشاورزی، درآمد سرانه این بخش را پس از دو سال ۰/۱۸ درصد افزایش می‌دهد.

جمالی مقدم (۱۳۸۳)، اثر مخارج عمرانی را بر فقرزدایی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این مطالعه نشان داد سرمایه‌گذاری در توسعه و عمران روستایی، جاده‌سازی، تحقیقات و ترویج کشاورزی و آبیاری بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر روستایی دارد.

۲. مبانی نظری و روش تحقیق

مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE)^۴ موردنظر در این تحقیق مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی است که نه تنها پایه این گونه مدلها را تشکیل می‌دهد بلکه بسیاری از داده‌های مربوط برای یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه را فراهم می‌کند.

-
1. Van de Wall
 2. Fan and Zhang
 3. Linneman and Schabert
 4. Computable General Equilibrium

۳. ساختار الگو

در ابتدای این بخش ساختار الگو همراه با مبانی نظری معادلات مورد بررسی قرار گرفته است. مدل این الگو با بهره‌گیری از کالیبراسیون بر داده‌های حاصل از ماتریس حسابهای اجتماعی حل شده است. در این بررسی به پیروی از الگوی لافگرن^۱ (۱۹۹۹) سعی شد در رابطه میان متغیرها از تصریحی استفاده شود که طی آن به کمک اطلاعات جدول ماتریس حسابهای اجتماعی می‌توان مقدار پارامترها را به دست آورد. در این مدل فرض شد که تولیدکنندگان سود خود را با وجود فن آوری کاب-داگلاس حداکثر می‌کنند. از سوی دیگر مصرف‌کنندگان نیز به شرط وجود قید بودجه مطلوبیت خود را حداکثر می‌کنند.

از نظر قیمت‌ها مدل همگن از درجه صفر است. به منظور حصول اطمینان از وجود یک راه حل منحصر به فرد معادله نرمال‌کننده قیمت که در مورد این مطالعه شاخص قیمت مصرف‌کننده است به معادلات اضافه شد. پس از انجام این تعدیل تعداد معادلات با تعداد متغیرهای درون‌زا برابر شد. با توجه به اینکه شاخص قیمت مصرف‌کننده به عنوان معادله نرمال‌کننده قیمت تعریف شد بنابراین تمامی شبیه‌سازی‌های تغییر قیمت را می‌توان به صورت تغییر در مقابل شاخص قیمت مصرف‌کننده تفسیر کرد (لافگرن، ۱۹۹۹).

خانوارها در قالب دو گروه خانوارهای شهری و روستایی در نظر گرفته شده است. عوامل تولید نیز در برگیرنده دو گروه نیروی کار و سرمایه است. بخشهای منتخب (فعالیتها و به همین ترتیب کالاهای مربوط به آنها) نیز دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی را در برمی‌گیرد. تفکیک میان بخشها (فعالیتها) و کالاها فرآیند کالیبراسیون مدل را تسهیل می‌کند. اما این جداسازی در حل الگوی تعادل عمومی شرط لازم نیست و در شرایطی که بین فعالیتها و کالاها یک رابطه یک به یک وجود دارد چنین کاری ضروری نیست. به این معنی که در شرایطی که هر فعالیت فقط یک کالا را تولید می‌کند یا هر کالا توسط یک فعالیت تولید می‌شود جداسازی ضرورتی ندارد. همچنین فرض شد که قیمت نیروی کار میان دو بخش متفاوت اما قیمت سرمایه میان دو بخش یکسان است. همچنین از میان دو عامل تولیدی، سرمایه در اشتغال کامل است اما نیروی کار در اشتغال کامل نیست. (لافگرن، ۱۹۹۹)

کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخل جانشین ناقص در نظر گرفته شده‌اند. همچنین در مورد تولیدکنندگان کالاهای صادراتی و کالاهایی که در بازار داخل به فروش می‌رسد به صورت کالاهایی با قابلیت تبدیل غیرکامل فرض شده است. به این معنی که قیمت هر واحد

1. Lofgren

کالای صادراتی از کالای مشابه آن که در داخل تولید و مصرف می‌شود و قیمت هر واحد کالاهای وارداتی از قیمت هر واحد کالای مشابه تولید داخل بالاتر در نظر گرفته شده است. در ادامه پارامترها، متغیرها و همچنین معادلات الگو آمده است.

۳-۱. معادلات قیمت‌ها

در این مطالعه قیمت واردات و صادرات به صورت برون‌زا در نظر گرفته شده است. به این معنی که ایران نسبت به بازارهای جهانی به عنوان کشوری کوچک در نظر گرفته شده است. این فرض در مطالعات اقتصادی به «فرض کشور کوچک» معروف است.

(۱) قیمت واردات

$$PM_c = (1 + tm_c) \cdot EXR \cdot p_{wm_c} \quad c \in CM$$

[قیمت واردات]، [نرخ ارز (بر حسب پول داخلی)]، [عامل تعدیلی مشتمل بر تعرفه] = [قیمت واردات (پول داخلی)]

(۲) قیمت صادرات

$$PE_c = (1 - te_c) \cdot EXR \cdot p_{we_c} \quad c \in CE$$

[قیمت صادرات]، [نرخ ارز (بر حسب پول داخلی)]، [عامل تعدیلی مشتمل بر تعرفه] = [قیمت صادرات (پول داخلی)]

(۳) جذب

$$PQ_c \cdot QQ_c = [PD_c \in QD_c + (PM_c \cdot QM_c)(1 + tq_c)] \quad c \in C$$

[عامل تعدیلی مالیات بر فروش]، [قیمت وارداتی ضربدر مقدار واردات] + [قیمت فروش داخلی ضربدر مقدار فروش داخلی] = میزان جذب

برای هر کالا میزان جذب (مخارج داخلی صرف شده بر روی کالا در سطح قیمت تقاضای داخلی) به صورت مجموع مخارج صرف شده برای محصول داخلی و واردات (مشتمل بر عامل تعدیل مالیات بر فروش) است. این امر حاصل از فرض همگنی خطی تابع عرضه مرکب (آرمینگتون^۱) است. قیمت مرکب PQ_c توسط تقاضاکنندگان داخلی (خانوارها، دولت، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران) پرداخت می‌شود. بنابراین در تمامی معادلات مربوط قیمت یاد شده به جای قیمت P_c جایگزین می‌شود.

(۴) ارزش تولید داخلی

$$PX_c \cdot QX_c = PD_c \cdot QD_c + (PE_c \cdot QE_c) \quad c \in C$$

[قیمت صادرات ضرب در مقدار صادرات] + [قیمت فروش داخلی ضرب در مقدار فروش داخلی] = [قیمت تولید کننده ضربدر تولید داخلی]

برای هر کالا ارزش تولید داخلی به قیمت تولید کننده به صورت مجموع ارزش محصول داخلی فروخته شده در داخل و ارزش صادرات بر حسب پول داخلی است. این معادله نشان می دهد که تابع CET^۱ (تبدیل با کشش ثابت) به صورت همگن خطی است. لازم به یادآوری است که در این مدل مقدار تولید داخلی به صورت QX_c بیان شده است.

(۵) قیمت تولید

$$PA_a = \sum PX_c \theta_{ac} \quad a \in A_a$$

[قیمت تولید کننده ضربدر عملکرد] = [قیمت تولید]

(۶) قیمت ارزش افزوده

$$PVA_a = PA_a - \sum PQ_c \cdot ica_{ca} \quad a \in A$$

[هزینه نهادهها به ازای هر واحد تولید] - [قیمت تولید] = [قیمت ارزش افزوده]

۳-۲. معادلات تولید و کالا

کالاهای عرضه شده داخل مشتمل بر کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخل است که برخی از این کالاها طی فرآیند تبدیل در تولید کالاهای دیگر استفاده می شوند و در نهایت بخشی از آن صادر و بخش دیگری در داخل به فروش می رسد.

(۷) تابع تولید فعالیت

$$QA_a = ada \cdot \Pi QF \alpha_{fa} \quad a \in A$$

[نهادههای عامل] = f [سطح فعالیت]

(۸) تقاضای عامل تولید

$$WF_f \cdot WFDIST_{fa} = \frac{a_{fa} \cdot PA_a \cdot QA_a}{QF_{fa}} \quad f \in F, a \in A$$

[درآمد نهایی حاصل از عامل تولیدی f در فعالیت a] = [هزینه نهایی عامل تولیدی f در فعالیت a]

(۹) تقاضای کالاهای واسطه

$$Q_{INTca} = ica_{ca} \cdot QA_a \quad c \in C, \quad a \in A$$

[سطح فعالیت] = f [تقاضای کالای واسطه‌ای]

(۱۰) تابع محصول (تولید)

$$QX_c = \sum Q_{ac} \cdot QA_a \quad c \in C, \quad a \in A$$

[سطح فعالیت] = f [محصول داخلی]

(۱۱) تابع عرضه مرکب (آرمینگتون)

$$QQ_c = aq_c \cdot \left(\delta_c^q \cdot QM_c^{-\rho_c^q} + (1 - \delta_c^q) QD_c^{-\rho_c^q} \right)^{\frac{-1}{\rho_c^q}}$$

[مقدار واردات، مصرف داخلی محصول داخلی] = f [عرضه مرکب]

کالاهای مرکب توسط تقاضاکنندگان داخلی استفاده می‌شود. جانشینی ناقص میان کالای وارداتی و کالای داخلی که در داخل مصرف می‌شود با استفاده از تابع کل کشش جانشینی ثابت (CES) نشان داده می‌شود. در این تابع کالای عرضه شده در بازار داخل ترکیبی از کالای تولید داخل و کالای وارداتی است، به عبارت دیگر کالاهای وارداتی و تولیدشده در داخل به عنوان «تهاده» مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر اقتصادی این امر به معنی آن است که ترجیحات تقاضاکنندگان از میان کالاهای وارداتی و داخلی به صورت یک تابع CES بیان می‌شود. این تابع اغلب تابع آرمینگتون نامیده می‌شود. اعمال قیدی به صورت $(-\infty < \rho_c^q < -1)$ فرض تحذب تابع یاد شده نسبت به عرض از مبدأ را تأمین می‌کند. این ویژگی معادل با نرخ جانشینی فنی نزولی است.

(۱۲) نسبت تقاضای کالای داخلی به واردات

$$\frac{QM_c}{QD_c} = \left(\frac{PD_c}{PM_c} \cdot \frac{\delta_c^q}{1 - \delta_c^q} \right)^{\frac{1}{1 + \rho_c^q}} \quad c \in M$$

[نسبت قیمت کالای وارداتی به قیمت کالای تولیدی داخل] = f [نسبت تقاضای کالای وارداتی به داخل]

معادله یاد شده ترکیب بهینه میان کالاهای تولید داخل و واردات را نشان می‌دهد. گستره این معادله به کالاهای وارداتی محدود می‌شود. این معادله به اتفاق معادلات (۳) و (۱۱) شرط مرتبه اول حداقل‌سازی هزینه با شرایط وجود دو قیمت و مشروط بر تابع آرمینگتون و مقدار ثابتی از کالای مرکب نشان می‌دهد.

(۱۳) عرضه کالاهای مرکب

$$QQ_c = QD_c \quad c \in CNM$$

[مصرف داخلی محصول داخلی] = f [عرضه مرکب]

برای کالاهایی که از طریق واردات تأمین نمی‌شود تابع آرمینگتون جایگزین این رابطه می‌شود. این رابطه برابری میان کالای مرکب و محصول تولیدی داخل که در داخل مصرف می‌شود تأمین می‌کند.

(۱۴) تابع تبدیل محصول (CET)

$$QX_c = at_c \left(\delta_c^t \cdot QE_c^{\rho_c^t} + (1 - \delta_c^t) QD_c^{\rho_c^t} \right)^{\frac{1}{\rho_c^t}} \quad c \in CE$$

[مقدار صادرات، مصرف داخلی محصول داخلی] = f [محصول داخلی]

به‌طور موازی با جانشینی ناقص میان کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخلی که در بازار داخلی به فروش می‌رسد قابلیت تبدیل ناقص میان کالاهای تولید داخل که به بیرون از کشور صادر می‌شود و کالاهای تولیدی داخل که در بازارهای داخلی به فروش می‌رسد نیز وجود دارد. معادله یاد شده چنین رابطه‌ای را نشان می‌دهد. تابع CET که برای کالاهای صادراتی به کار می‌رود مانند تابع CES است و تنها تفاوت آنها در وجود کشش‌های جانشینی منفی است. منحنی مقدار همسان مربوط به معادله یاد شده با توجه به اعمال قیدی به صورت $(-\infty < \rho_c^q < -1)$ بر ρ_c^t نسبت به مبدأ مختصات مقعر است. اگر بخواهیم تفاوت میان تابع آرمینگتون و CET را در قالب عبارت اقتصادی بیان کنیم باید بگوییم در CET متغیرهای رابطه، عوامل تولید است در حالی که در تابع آرمینگتون این متغیر، محصولات می‌باشد.

(۱۵) نسبت عرضه کالای داخلی به صادرات

$$\frac{QE_c}{QD_c} = \left(\frac{PE_c}{PD_c} \cdot \frac{\delta_c^t}{1 - \delta_c^t} \right)^{\frac{1}{1 + \rho_c^t}} \quad c \in CE$$

[نسبت قیمت کالای صادراتی به قیمت کالای تولیدی داخل] = f [نسبت عرضه کالای صادراتی به داخل]

معادله یاد شده ترکیب بهینه میان کالاهای تولید داخلی و صادرات را نشان می‌دهد. این معادله به اتفاق معادلات ۴، ۱۴ و ۱۵ شرط مرتبه اول حداقل‌سازی هزینه با شرایط وجود دو قیمت صادراتی و داخلی و مشروط بر تابع CET و مقدار ثابتی از محصول تولید داخل را نشان می‌دهد.

تحلیل آثار افزایش مخارج دولت بر فقر در ایران ۷۳

یک تفاوت مهم میان معادله تقاضای واردت و عرضه صادرات این است که مقدار تقاضا شده کالای وارداتی با قیمت واردات رابطه عکس دارد در حالی که در مورد صادرات مقدار صادرات با قیمت صادراتی رابطه مستقیم دارد.

(۱۶) تبدیل محصول در کالاهای غیرصادراتی

$$QX_c = QD_c \quad c \in CNC$$

[مصرف داخلی محصول داخلی] = [محصول داخلی]

در مورد کالاهایی که صادر نمی‌شوند به جای تابع CET شرطی به صورت برابری میان محصول داخلی فروخته شده در داخل و تولید داخلی اعمال می‌شود.

۳-۳. معادلات نهادها

(۱۷) درآمد حاصل از عوامل تولید

$$YF_{hf} = shry_{hf} \cdot \sum_f WF_f \cdot WFDIST_{fa} \cdot QF_{fa} \quad h \in H, a \in A, f \in F$$

[درآمد حاصل از عوامل تولید] = [سهام درآمد خانوارها] = [درآمد به دست آمده از عرضه عوامل تولید توسط خانوارها]

(۱۸) درآمد خانوارها

$$YH_h = \sum_{f \in F} YF_{hf} + tr_{h,gov} + EXR.tr_{h,row} \quad h \in H$$

[درآمد حاصل از کمک‌های انتقالی دولت و دنیای خارج] + [درآمد حاصل از عوامل تولید] = [درآمد خانوارها]

(۱۹) تقاضای مصرفی خانوارها

$$QH_{ch} = \frac{\beta_{ch} \cdot (1 - mps_h) \cdot (1 - ty_h) \cdot YH_h}{PQ_c} \quad c \in C, \quad h \in H$$

[درآمد خانوارها، قیمت مرکب] = [تقاضای خانوارها برای کالای c]

(۲۰) تقاضای سرمایه‌گذاری

$$QINV_c = \overline{qinv} \cdot IADJ \quad c \in C$$

[سرمایه‌گذاری سال پایه ضرب در عامل تعدیل] = [تقاضای سرمایه‌گذاری کالای c]

(۲۱) درآمدهای دولت

$$YG = \sum_{h \in H} ty_h \cdot YH_h + EXRtr_{gov, row} + \sum_{c \in C} tq_c \cdot (PD_c \cdot QD_c + (PM_c \cdot QM_c)_{c \in CM}) + \sum_{c \in CM} tm_c \cdot EXRpwm_c \cdot QM_c + \sum_{c \in CE} te_c \cdot EXRpwe_c \cdot QE_c$$

[مالیات بر صادرات]+[تعرفه واردات] [مالیات بر فروش]+[انتقال از سایر نقاط جهان]+ [مالیات های مستقیم]=[درآمد دولت]

(۲۲) مخارج دولت

$$EG = \sum_{h \in H} tr_{h, gov} + \sum_{c \in C} PQ_c \cdot qg_c$$

[مصرف دولت]+ [کمک های انتقالی به خانوارها]=[مخارج دولت]

۳-۴. قیدهای الگو

در این بخش قیدهای موجود در نظام اقتصادی ایران آمده است. قیدهای خرد برای بازارهای انفرادی عوامل تولید و کالاها اعمال شده است. البته به جز در مورد نیروی کار، واردات و صادرات فرض شده است که تعادل در بازارهای کالاها و عوامل تولید از طریق تعیین قیمت تعادلی توسط نیروهای بازار ایجاد می شود. قیدهای کلان نیز برای دولت، توازن پس انداز- سرمایه گذاری و سایر نقاط جهان به کار می رود. حساب دولت از طریق در نظر گرفتن پس انداز موازنه می شود و حساب پس انداز دولت از طریق تعدیل و تغییر در حساب پس انداز کل متوازن می شود. در این الگو در حساب دنیای خارج نرخ ارز شناور در نظر گرفته شده است.

(۲۳) بازارهای عوامل تولید

$$\sum_{a \in A} QF_{fa} = QFS_f \quad f \in F$$

[عرضه عامل تولیدی f]=[تقاضا برای عامل تولیدی f]

در بازار عوامل تولید فرض شده است که قیمت آنها در هر یک از فعالیتهای دو بخش منحصر به فرد است و میزان سرمایه در هر یک از بخشها ثابت است و سرمایه میان بخشها منتقل نمی شود.

(۲۴) بازار کالاهای مرکب

$$QQ_c = \sum_{a \in A} QINT_{ca} + \sum_{h \in H} QH_{ch} + qg_c + QINV_c \quad c \in C$$

[تقاضای مرکب مشتمل بر مجموع تقاضای واسطه ای، خانوارها، دولت و سرمایه گذاری]=[عرضه مرکب]

تحلیل آثار افزایش مخارج دولت بر فقر در ایران ۷۵

این معادله قیدی به صورت برابری عرضه مرکب با مجموع تقاضا برای کالاهای مرکب شامل تقاضای واسطه‌ای، تقاضای خانوارها و تقاضای سرمایه‌گذاران است. عرضه مرکب در برگیرنده کالاهای تولید داخل است که در داخل به فروش می‌رسد و کالاهای وارداتی است. این بازار نیز از طریق تعیین قیمت PQ_c به تعادل می‌رسد. الگوی مورد بررسی علاوه بر کالای مرکب، متغیرهای مقدار (و متغیرهای قیمت متناظر با این مقادارها) دیگری نیز دارد که به این صورت است:

$$QA, QE, QX, QD \text{ و } QM$$

این متغیرها هم عرضه و هم تقاضا را نشان می‌دهند، به این معنی که مقادیر تعادلی به جای مقادیر عرضه شده و تقاضا شده جایگزین شده‌اند. در مورد صادرات و واردات مقادیر عرضه شده و تقاضا شده تعادل را در بازار ایجاد می‌کنند (در سطح نرخ ارز ثابت، کشش عرضه و تقاضا بازارهای جهانی بی‌نهایت است). در مورد سه متغیر باقی مانده قیمت آنها (PA و PD ، PX) نقش تعادلی را در بازار ایفا می‌کند.

(۲۵) توازن در حساب جاری سایر نقاط جهان (بر حسب ارز خارجی)

$$\sum_{c \in C} pwe_c + QE_e + \sum_{i \in I} tr_{i,row} + FSAV = \sum_{c \in CM} pwm_c \cdot QM_c$$

[هزینه واردات] = [پس انداز خارجی] = [درآمدهای انتقالی از سایر نقاط جهان به خانوارها و دولت] = [درآمد صادراتی]

معادله حساب جاری (که بر حسب ارز خارجی بیان می‌شود) برابری میان درآمدها و مخارج خارجی کشور را تأمین می‌کند. پس انداز خارجی برابر است با مقدار کسری حساب جاری. اگر تعداد معادلات و تعداد متغیرهای الگو را به دقت شمارش کنیم متوجه خواهیم شد که تعداد متغیرها یکی بیشتر از تعداد معادلات است. این شرایط به این دلیل وجود دارد که برای توازن در حساب جاری دو متغیر وجود دارد - نرخ ارز خارجی (EXR) و پس انداز خارجی ($FSAV$).

(۲۶) توازن پس انداز - سرمایه گذاری

$$\sum_{h \in H} mps_h \cdot (1 - ty_h) \cdot YH_h + (YG - EG) + EXR \cdot FSAV = \sum_{c \in C} PQ_c \cdot QINV_c + WALRAS$$

[متغیر موهومی WALRAS] + [هزینه‌های سرمایه گذاری] = [پس انداز خارجی] + [پس انداز دولت] + [پس انداز خانوارها]

پس انداز خارجی بر حسب پول داخلی در الگو مورد استفاده قرار می‌گیرد و تا زمانی که نرخ ارز یا پس انداز خارجی ثابت باشد وجود آنها حساب پس انداز - سرمایه گذاری را تحت تأثیر قرار نخواهد داد زیرا مقدار پس انداز مقدار سرمایه گذاری را تعیین می‌کند.

(۲۷) معادله نرمال کننده قیمت

$$\sum_{c \in C} PQ_c \cdot cws_c = CPI$$

[CPI] = [قیمت ضرب در وزن‌ها]

۴. تحلیل اثر افزایش مخارج بر فقر

در این نوشتار اثر افزایش مخارج بر فقر از طریق تغییرات به وقوع پیوسته در مصرف خانوارها و قیمت‌های اقتصادی بررسی شده است. ابتدا میزان تغییرات در مصرف و قیمت‌ها با دو سناریو افزایش مخارج به میزان ۲۰ و ۵۰ درصد از طریق حل الگو تعادل عمومی حاصل شد. سپس این تغییرات بر مخارج گروهی منتخب از خانوارهای روستایی و شهری اعمال شد. برای ارزیابی فقر و تغییرات آن به دنبال افزایش مخارج نیز از شاخص FGT^۱ استفاده شد. معیار FGT به این صورت است (دات^۲، ۱۹۹۸):

$$P_\alpha = \int_0^z \left[\frac{Z-X}{Z} \right]^\alpha f(X) dX \quad (28)$$

$$\alpha \geq 0$$

که در آن X مخارج مصرفی خانوار، $f(X)$ تابع چگالی مخارج مصرفی خانواده (نسبت جمعیتی که مخارج X را مصرف می‌کنند)، Z نشان‌دهنده خط فقر است و از قبل و بر حسب متغیرهایی که در اندازه‌گیری فقر به کار می‌رود تعیین می‌شود و α نیز یک پارامتر غیرمنفی است. رابطه یاد شده را می‌توان به این شکل ساده نیز نوشت (مینوت و گولتی^۳، ۲۰۰۱):

$$P_\alpha = \left(\frac{1}{N} \right) \sum \left(\frac{Z-X}{Z} \right)^\alpha \quad (29)$$

که در آن N تعداد جمعیت است. مقادیر بالاتر α بیانگر حساسیت بیشتر شاخص فقر به نابرابری میان افراد فقیر است. آنچه در حوزه بررسی مطالعه ما قرار می‌گیرد مقادیر ۰، ۱، ۲ است که به ترتیب شاخصهای تعداد افراد فقیر، شکاف فقر و شدت فقر است.

-
1. Foster, Greer and Thorbecke
 2. Datt
 3. Minot and Goletti

۵. مبنای آماری

پایه‌های آماری این پژوهش با توجه به الگوی تعادل عمومی منتخب مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ است. این ماتریس آخرین ماتریس حسابداری اجتماعی است که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است. ماتریس الگوی این مطالعه از ۱۴ سطر و ستون متناظر تشکیل شده است و شامل کالاها (کشاورزی و غیر کشاورزی)، فعالیتها (کشاورزی و غیر کشاورزی)، عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه)، نهادها (خانوارهای شهری، خانوارهای روستایی و دولت)، انواع مالیات (مالیات بر درآمد، مالیات بر فروش و مالیات بر واردات یا تعرفه)، دنیای خارج و همچنین یک حساب برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. داده‌های مورد استفاده برای تحلیل فقر نیز مشتمل بر مخارج ماهانه و بُعد خانوارهای شهری و روستایی منتخب است که این داده‌ها توسط مرکز آمار ایران هر سال جمع‌آوری می‌شود. در برآورد الگو نیز از بسته نرم‌افزاری GAMS^۱ استفاده شد.

۶. نتایج و بحث

در این قسمت نتایج حاصل از شبیه‌سازی تغییر در متغیر مخارج دولت به میزان ۲۰ و ۵۰ درصد بر شاخصهای فقر مورد ارزیابی قرار گرفته است. اثر افزایش مخارج از دو رویکرد تغییرات مخارج، همچنین تغییر قیمت کالاهایی نظیر کالاهای کشاورزی و غیرکشاورزی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه در شاخص معمول مورد استفاده، از مخارج به جای درآمد استفاده می‌شود بنابراین تغییرات در مخارج مورد بررسی قرار گرفت. در مورد استفاده از مخارج به جای درآمد به عنوان شاخص نشان دهنده فقر موکرجی و بنسون^۲ (۲۰۰۳) بر این باورند که مخارج نسبت به درآمد در طول زمان از نوسانهای کمتری برخوردار است. به عبارت دیگر مخارج را می‌توان به عنوان معیاری از رفاه بالفعل تلقی کرد در حالی که از این نظر سطح درآمد فقط به عنوان معیاری از رفاه بالقوه می‌تواند مورد توجه باشد. پیش‌بینی می‌شود تغییر قیمت مصرف نیز باعث تغییر درآمد واقعی و در نتیجه تغییر رفاه خانوارها شود. از همین رو اثر تغییرات قیمت نیز بر مخارج مصرفی خانوارها بررسی شد. در بخش بعد ابتدا ضرایب به دست آمده از الگوی تعادل عمومی تشریح و سپس اثر تغییرات این ضرایب به دنبال افزایش مخارج دولت بر مخارج گروهی منتخب از خانوارهای شهری و روستایی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱-۶. مصرف خانوارها

مصرف خانوارهای شهری و روستایی از کالاهای کشاورزی و غیرکشاورزی به صورت مجزا مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس آنچه در جدول (۱) مشاهده می‌شود در صورتی که سیاست ارزی شناور اتخاذ شود اثرگذاری کاهش مخارج دولت نسبت به حالتی که سیاست ارزی غیر شناور مورد نظر است متفاوت خواهد بود. به این ترتیب که در صورت اعمال سیاست ارزی شناور، افزایش مخارج دولت باعث افزایش مصرف کالاهای کشاورزی توسط هر دو گروه خانوارهای شهری و روستایی می‌شود حال آنکه با اعمال سیاست ارزی غیرشناور افزایش در مخارج دولت کاهش در مصرف کالاهای کشاورزی توسط خانوارهای شهری و روستایی را به دنبال دارد. مصرف کالاهای غیرکشاورزی صرف نظر از نوع سیاست ارزی با افزایش مخارج دولت کاهش می‌یابد. به این ترتیب که با افزایش مخارج دولت تحت سیاست ارزی شناور به میزان ۳۰ و ۵۰ درصد میزان مصرف کالاهای کشاورزی به ترتیب حدود ۵/۵ و ۸/۰ درصد افزایش خواهد یافت حال آنکه سایر ارقام جدول در دامنه ۱۳/۰ تا ۲/۱ درصد قرار دارد.

نکته قابل توجه دیگر این است که با سیاست ارزی غیرشناور میزان تغییر در مصرف خانوارهای روستایی به طور نسبی بالاتر از خانوارهای شهری است و این امر می‌تواند نشان‌دهنده تغییر بیشتر الگوی مصرف در میان خانوارهای روستایی در مقایسه با خانوارهای شهری باشد. یکی از علل تغییر در مصرف می‌تواند تغییر در آمد باشد. البته با توجه به اینکه در حال حاضر نرخ ارز به صورت تک نرخ و شناور است بنابراین تنها اثر افزایش مخارج دولت با شرایط تک نرخ بر روی شاخصهای فقر مورد ارزیابی قرار گرفته است. از میان سه سناریو مطرح شده نیز دو سناریو افزایش مخارج به میزان ۲۰ و ۵۰ درصد مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱. اثر افزایش مخارج دولت بر مصرف خانوارها (درصد)

متغیر	۲۰ درصد کاهش		۳۰ درصد کاهش		۵۰ درصد کاهش	
	نرخ ارز شناور	نرخ ارز غیرشناور	نرخ ارز شناور	نرخ ارز غیرشناور	نرخ ارز شناور	نرخ ارز غیرشناور
مصرف کالاهای کشاورزی توسط خانوارهای شهری	۳/۲	۰-/۱	۴/۸	۰-/۱۴	۸	۰-/۲۱
مصرف کالاهای کشاورزی توسط خانوارهای روستایی	۳/۲	۰-/۲	۴/۷	۰-/۲۷	۷/۸	۰-/۴۴
مصرف کالاهای غیرکشاورزی توسط خانوارهای شهری	۰-/۵	۰-/۰۸	۰-/۶۵	۰-/۱۳	۱-/۱	۰-/۲۱
مصرف کالاهای غیرکشاورزی توسط خانوارهای روستایی	۰-/۵	۰-/۲	۰-/۷۴	۰-/۲۵	۱-/۲	۰-/۴۴

مأخذ: نتایج تحقیق

۲-۶. قیمت‌ها

نتایج حاصل از اثر افزایش مخارج دولت بر قیمت‌ها در جدول (۲) آمده است. در مورد کالاهای کشاورزی با سیاست ارزی شناور قیمت‌ها به میزان ۱۱ درصد کاهش خواهد یافت. در مورد کالای غیرکشاورزی تحت سیستم ارز شناور و افزایش مخارج دولت به میزان ۵۰ درصد، قیمت‌ها در حدود ۱۱ درصد کاهش خواهد یافت. بنابراین در مجموع اثر کاهش مخارج دولت بر قیمت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی نسبتاً بالا است.

اثر افزایش حضور دولت از طریق افزایش مخارج با توجه به حضور آن در عرصه تولید مبتنی بر انتظار است. البته مطلوب آن است که مخارج دولت نیز به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۲. اثر افزایش مخارج دولت بر قیمت‌ها (درصد)

متغیر	۲۰ درصد کاهش		۳۰ درصد کاهش		۵۰ درصد کاهش	
	نرخ ارز شناور	نرخ ارز غیرشناور	نرخ ارز شناور	نرخ ارز غیرشناور	نرخ ارز شناور	نرخ ارز غیرشناور
قیمت‌های کشاورزی	-۱۱	-	-۱۱	-	-۱۱	-
قیمت‌های غیرکشاورزی	-	-	-	-	-۱۱	-

مأخذ: نتایج تحقیق

۳-۶. تحلیل اثر افزایش مخارج دولت بر شاخص‌های فقر

همانطور که می‌دانیم یکی از موارد حائز اهمیت در تحلیل‌های فقر انتخاب خط فقر به صورت مقدار مخارج لازم برای تأمین حداقل‌های زندگی است. در این بررسی از خط فقر ارائه شده در مطالعه فرج‌زاده (۱۳۸۳) که برای سال ۱۳۸۹ و به تفکیک برای مناطق شهری و روستایی ایران ارائه شده است استفاده شد. مقادیر مطالعه یاد شده پس از تعدیل توسط شاخص قیمت مصرف‌کننده برای سال ۱۳۸۳ به دست آمد. ارقام خط فقر برای سال ۱۳۸۳ به ترتیب ۳۳۱۸۹۵۰ و ۲۱۷۳۳۰۴ ریال برای هر خانوار شهری و روستایی برای یک ماه به دست آمد. متوسط بُعد خانوار شهری و روستایی نمونه منتخب که از میان ۴۹۳ خانوار شهری و ۵۰۳ خانوار روستایی به دست آمد، به ترتیب ۴/۲ و ۴/۹ نفر است. براساس نتایج حاصل از شاخص FGT، ۵۰/۶۹ درصد از خانوارهای شهری و ۲۷/۵۷ درصد از خانوارهای روستایی زیر خط فقر به سر می‌برند.

الف- خانوارهای شهری

نتایج حاصل از افزایش مخارج دولت بر اساس دو رویکرد تغییر قیمت و تغییر مصرف برای خانوارهای شهری در جدول (۳) آمده است. همان طور که در جدول مشاهده می‌شود نتایج

حاصل از رویکرد مصرف با رویکرد قیمت متفاوت است. به این ترتیب که در صورتی که تغییر در مصرف را مورد توجه قرار دهیم، افزایش مخارج دولت باعث افزایش شاخصهای فقر خواهد شد. در حالی که بر اساس رویکرد قیمت افزایش مخارج دولت موجب بهبود شاخصهای فقر خواهد شد. به عبارت دیگر به رغم افزایش درآمد ممکن است خانوارهای شهری میزان پس انداز خود را افزایش و میزان مخارج مصرفی خود را کاهش دهند.

همان طور که در جدول مشخص است در رویکرد قیمت تفاوت اثر میان افزایش مخارج به میزان ۲۰ و ۵۰ درصد بسیار زیاد است. به این ترتیب که با افزایش مخارج به میزان ۲۰ درصد، شاخص شکاف فقر کمتر از ۰/۳ درصد کاهش می یابد در حالی که این رقم برای سناریو افزایش قیمت به میزان ۵۰ درصد بیش از ۱۸ درصد است. در این رویکرد با افزایش مخارج دولت درصد افراد فقیر شهری از بیش از ۵۰ درصد به کمتر از ۴۲ درصد کاهش می یابد. علاوه بر این، دو شاخص شکاف و شدت فقر نیز بهبود می یابد. بر اساس رویکرد تغییر قیمت می توان گفت تغییرات در شاخصهای فقر در صورت افزایش مخارج، چندان قابل ملاحظه نیست اما با افزایش بیشتر مخارج بهبود زیادی در شاخصها ایجاد می شود.

جدول ۳. اثر افزایش مخارج دولت بر شاخصهای فقر در میان خانوارهای شهری (درصد)

شاخصهای سه گانه فقر پس افزایش مخارج دولت				شرایط فعلی	تغییرات در شاخصها
۵۰ درصد	۲۰ درصد	۵۰ درصد	۲۰ درصد		
مقدار	مقدار	تغییر	تغییر		
۳/۹۹	۵۲/۷۱	۱/۱۴	۵۱/۲۷	۵۰/۶۹	شاخص نسبت سرشمار
۸/۸۴	۱۶/۷۵	۴/۸۱	۱۶/۱۳	۱۵/۳۹	براساس تغییر شکاف فقر
۱۱/۳۷	۷/۰۵	۶/۱۶	۶/۷۲	۶/۳۳	در مصرف شدت فقر
-۱۸/۳۱	۴۱/۴۱	-۰/۲۸	۵۰/۵۵	۵۰/۶۹	شاخص نسبت سرشمار
-۲۲/۶۱	۱۱/۹۱	-۲/۸۶	۱۴/۹۵	۱۵/۳۹	براساس تغییر شکاف فقر
-۲۶/۸۶	۴/۶۳	-۳/۴۸	۶/۱۱	۶/۳۳	در قیمتها شدت فقر

مأخذ: نتایج تحقیق

ب- خانوارهای روستایی

در جدول (۴) نیز نتایج حاصل از بررسی اثر افزایش مخارج دولت بر شاخصهای فقر در میان خانوارهای روستایی آمده است. در میان خانوارهای روستایی نتایج حاصل هر دو رویکرد با یکدیگر همسو است و هر دو رویکرد نشان دهنده بهبود شاخصهای فقر به دنبال افزایش مخارج

تحلیل آثار افزایش مخارج دولت بر فقر در ایران ۸۱

است. نکته جالب توجه آن است که با سناریوی افزایش مخارج به میزان ۲۰ درصد در رویکرد تغییرات مصرف، میزان تغییر در شاخصها فقر بیش از مقادیر متناظر در رویکرد تغییر قیمت است. در حالی که با سناریو ۵۰ درصد افزایش مخارج میزان تغییرات شاخصهای فقر در رویکرد تغییر قیمت به مراتب بالاتر از مقادیر متناظر رویکرد تغییر مصرف است.

با سناریو ۲۰ درصد افزایش در مخارج، اختلاف تغییرات میان دو رویکرد چندان بالا نیست در حالی که با سناریوی افزایش مخارج به میزان ۵۰ درصد میزان تغییرات نسبت به سناریو ۲۰ درصد بالاتر است. البته برای تغییرات همان طور که عنوان شد در دو رویکرد و با دو سناریو افزایش مخارج متفاوت است. به عنوان مثال شاخص سرشمار فقر با سناریو افزایش مخارج ۲۰ درصد و رویکرد تغییر مصرف ۱/۴۱ درصد بهبود می‌یابد. رقم متناظر برای رویکرد تغییر قیمت ۰/۴۴ درصد است. ارقام یاد شده برای سناریو ۵۰ درصد و برای دو رویکرد تغییر مصرف و تغییر قیمت به ترتیب برابر با ۲/۸۷ و ۵/۵۷ درصد است. به عبارت دیگر با افزایش مخارج از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد علاوه بر غالب شدن اثر رویکرد قیمت، اختلاف میان ارقام دو رویکرد افزایش نیز می‌یابد. اما به هر حال افزایش مخارج در میان خانوارهای روستایی باعث بهبود شاخصهای فقر خواهد شد.

جدول ۴. اثر افزایش مخارج دولت بر شاخصهای فقر در میان خانوارهای روستایی (درصد)

شاخصهای سه‌گانه فقر پس افزایش مخارج دولت					
۵۰ درصد		۲۰ درصد		شرایط فعلی	تغییرات در شاخصها
مقدار درصد	مقدار درصد	مقدار درصد	مقدار درصد		
تغییر شاخص	۲۴/۷۰	-۵/۱۱	۲۶/۱۶	۲۷/۵۷	شاخص نسبت سرشمار
تغییر شاخص	۶/۶۰	-۶/۶۴	۷/۳۱	۷/۸۳	بر اساس تغییر در مصرف شکاف فقر
تغییر شاخص	۲/۵۵	-۷/۶۹	۲/۸۸	۳/۱۲	شدت فقر
تغییر شاخص	۲۲	-۱/۶۰	۲۷/۱۳	۲۷/۵۷	شاخص نسبت سرشمار
تغییر شاخص	۵/۹۴	-۳/۰۷	۷/۵۹	۷/۸۳	بر اساس تغییر در قیمت‌ها شکاف فقر
تغییر شاخص	۲/۲۵	-۳/۸۵	۳	۳/۱۲	شدت فقر

مأخذ: نتایج تحقیق

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه با استفاده از یک الگوی تعادل عمومی دو بخشی اثر افزایش مخارج بر شاخصهای فقر در میان خانوارهای شهری و روستایی ایران ارزیابی شد. برای این منظور ابتدا اثر دو سطح افزایش مخارج شامل ۲۰ و ۵۰ درصد افزایش در مخارج دولت بر روی مصرف و قیمتها با استفاده از الگوی یاد شده به دست آمد. سپس ضرایب به دست آمده بر روی مخارج گروهی منتخب از خانوارهای شهری و روستایی اعمال شد. شاخصهای فقر مورد استفاده نیز شامل شاخص درصد افراد فقیر یا نسبت سرشمار فقر، شکاف و شدت فقر بود. به‌طور کلی بر اساس تغییرات مصرف یا رویکرد مصرف در میان خانوارهای شهری افزایش مخارج دولت باعث نامطلوب‌تر شدن شاخصهای فقر می‌شود در حالی که بر اساس رویکرد قیمت افزایش مخارج موجب کاهش فقر خواهد شد. در میان خانوارهای روستایی بر اساس هر دو رویکرد افزایش مخارج دولت باعث کاهش شاخصهای فقر می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت اثر افزایش مخارج بر شاخصهای فقر با در نظر داشتن مقدار افزایش مخارج چندان بالا نیست و افزایش ۵۰ درصد به مخارج دولت در صورتی که فقط هدف کاهش فقر را دنبال کند از توجیه برخوردار نخواهد بود. بنابراین با توجه به اینکه درصد افراد فقیر به‌ویژه در میان خانوارهای شهری رقم بالایی است لازم است افزایش مخارج به‌صورت هدفمند و با هدف کاهش فقر صورت گیرد. در صورتی که همسو با مخارج مورد نیاز برای حمایت از گروههای فقیر سایر اجزای مخارج دولت نیز افزایش یابد این امر موجب حضور گسترده‌تر دولت می‌شود و همچنین در کوتاه‌مدت طرف تقاضای اقتصاد را به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. همچنین مشاهده شد که اثر افزایش مخارج بر متغیرهای مصرف و قیمتها و همچنین شاخصهای مورد استفاده رابطه خطی نیست و این به معنی تفاوت در اثربخشی مقادیر افزایش مخارج است. با توجه به یافته‌های حاضر می‌توان این پیشنهادها را ارائه نمود:

- تدوین برنامه‌های هدفمند حمایت از گروههای فقیر به‌ویژه در میان خانوارهای شهری،
- کاهش تأکید بر کاهش فقر از طریق حضور گسترده دولت در عرصه اقتصاد،
- اجرای برنامه‌های مبارزه با فقر متفاوت در میان خانوارهای شهری و روستایی.

منابع

الف) فارسی

- جمالی مقدم، الهام (۱۳۸۳)، «اثرات مخارج دولت بر فقرزدایی و رشد بهره‌وری در مناطق روستایی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۷۹)، «زیر خط فقر در ایران»، مجموعه مقالات دانشگاه علوم بهرپرستی و توانبخشی، تهران، ۱۵۷-۱۸۷.
- فرج‌زاده، زکریا (۱۳۸۲)، «هدفمند کردن یارانه‌ها و کاهش فقر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- وجدانی طهرانی، هما و علی رازینی رحمانی (۱۳۷۹)، «بررسی اثر هزینه‌های تحقیقات کشاورزی بر ارزش افزوده و بهره‌وری در این بخش»، مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد.

ب) انگلیسی

- Balisacan, A. M. and E. M. Pernia (2003), "Probing Beneath Cross-National Average: Poverty, Inequality and Growth in the Philippines", ERD Working Paper Series No. 7, Asian Development Bank, Manila.
- Datt, G. (1998), "Computational Tools for Poverty Measurement and Analysis", FCND Discussion Paper, No. 50, <http://www.ifpri.org>.
- Fan, S. (2003), Public Investment in Poverty Reduction, Paper Presented for the ADBI Conference, Tokyo, June 12-13.
- Fan, S., L. X. Zhang and X. B. Zhang (2002), "Growth, Inequality and Poverty in Rural China: The Role of Public Investment", Research Report 125, International Food Policy Research Institute, Washington, D.C.
- Kwon, E. K. (2000), Infrastructure, "Growth and Poverty Reduction in Indonesia; A Case-sectional Analysis", Asian Development Bank, Manila.
- Linnemann, L. and A. Schabert (2004), "Can Fiscal Spending Stimulate Private Consumption?", *Economic Letters*, Vol. 82, PP. 173-179.
- Lofgren, H. (1999), "Exercises in General Equilibrium Modeling Using GAMS", International Food Policy Research Institute, Washington, D. C.
- Minot, N. and F. Goletti (2001), "Rice Market Liberalization and Poverty in Viet Nam", IFPRI Research Report.
- Mukherjee, S. and T. Benson (2003), "The Determinants of Poverty in Malawi, 1998", *World Development*, Vol. 31, No. 2, PP. 339-358.
- Van de Wall, D. (1998), *Infrastructure and Poverty in Vitenam*, World Bank, Washington, D.C.